

دک‌فرضیه سوم، نجفی در یک قدمی قصاص

فرضیه و کیل نجفی درباره گلوله مستقیم به بحث چالشی میان وی وقاضی بدل شد اما...

همان طور که انتظار می رفت، و کلای نجفی در آخرین جلسه دادگاه، مهم ترین نکته دفاع خود را مطرح و با تشکیک جدی در موضوع عمد بودن قتل میترا استاد توسط نجفی، عملاً سعی کردند قتل را شبهه عمد جلوه دهند. و کیل نجفی در همین زمینه فهرستی مبسوط از ایرادات، تناقضات و ابهام هایی را که به گفته وی در کیفرخواست وجود دارد، مطرح و به طور مشخص به شکل دفرمه شده گلوله ای که باعث قتل میترا استاد شده اشاره کرد. البته قاضی دادگاه و کارشناس اسلحه هم پاسخ های مفصلی به این ایرادات دادند و به نوعی قاضی فرضیه و کیل نجفی مبنی بر برخورد غیر مستقیم گلوله به مقتول وارد کرد. فرضیه ای که نقطه قانونی دفاع گودرزی بود. در این جلسه البته پاسخ دکمه های پیراهن مردانه کشف شده در صحنه جنایت که متعلق به نجفی نبود، روشن شد. در سوی دیگر اما برادر میترا استاد هم چنان بر قصاص قاتل تاکید کرد. در ابتدای سومین جلسه دادگاه، قاضی محمدی کشکولی گفت: امروز ادامه دفاعیات آقای گودرزی و کیل مدافع نجفی را استماع می کنیم و اظهارات کارشناسان بررسی صحنه جرم را می شنویم. وی با بیان این که دادگاه به ارزیابی ایرادات و کلای نجفی می پردازد، افزود: ایراداتی که موثر در تصمیم دادگاه است، مرتفع شده است. ابهاماتی وجود دارد که ان شاء... روشن خواهد شد و جلسه اردو وقت مقرر به پایان می رسانیم.

گودرزی: موکلم اقرار به قتل شبهه عمدی دارد
به گزارش اسپانور کنا، در ادامه حمید گودرزی یکی از کلای محمد علی نجفی با حضور در جایگاه با وارد کردن ایرادات ماهیتی به نواقص شکلی، گفت: موکلم اقرار به قتل شبهه عمدی دارد در حالی که نماینده دادستان بر اساس ماده ۱۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری معتقد به قتل عمد از سوی موکلم است، این در حالی است که شاهدهی وجود ندارد و حرف های آقای آقازاده به عنوان راننده ندارد و دلیل بر اثبات نظریه دادستان باشد. گودرزی تاکید کرد: این کیفرخواست چهار نواقصی است. گودرزی با بیان این که اقرار باید طبق موادی از قانون مجازات اسلامی روشن باشد و در غیر این صورت فاقد اعتبار قانونی است، ادامه داد: افعال صادره از متهم فاقد صحت بوده است و بعدی هم وجود ندارد، در نتیجه کیفرخواست ناقص است و برخلاف موازین قانونی صادر شده است که استدعای عنایت دارم. این وکیل تصریح کرد: دادسرا در تحلیل واقعه رخ داده حتماً مستحضر بوده که موضوع شلیک به میترا استاد از سه جنبه می توانسته انجام شود؛ یکی اصابت گلوله به قفسه سینه، دیگری اصابت گلوله به دست دیگری هم اصابت گلوله به جسم سخت و کمانه کردن. دادسرا این هارا لحاظ نکرده است. وی ادامه داد: در کیفرخواست به فیلم های موجود استناد شده است ولی موکل من آن زمان در شرایط بحرانی روی به سری می برده و هدف فشارهای رسانه ای قرار داشته است و ده ها خبرنگار دور او را گرفته بودند. وکیل نجفی گفت: آقای نجفی هیچ گاه در اعتراضات خود نگفته است که اسلحه را گرفته ام و مستقیم به سمت میترا شلیک کردم. موکلم هیچ گاه به قتل عمد اقرار نکرده و تمام صحبت هایش از روز اول یکی بوده است. وی افزود: نجفی بارها گفته است که میترا نشانه من را گرفته بود و چندبار گفتم ول کن که این کار را نکرد و کنترلی روی اسلحه نداشتم. گودرزی بیان کرد: گفته دادستانی که اعلام شده نجفی به قتل عمد اعتراف کرده با مندرجات پرونده مطابقت ندارد و از ایرادات پرونده است. وکیل مدافع نجفی گفت: صرفاً قاتل شبهه عمدی بوده و برای آن سه دلیل داریم که یکی اعترافات نجفی است. وی افزود: دادسرا باید روشن کند که شلیک گلوله به سمت مقتول مستقیم بوده یا غیر مستقیم تا مجهولات رفع شود. اگر شلیک گلوله مستقیم باشد، نشان می دهد که قتل عمدی است و اگر شلیک غیر مستقیم باشد، نشان می دهد که متهم نمی دانسته که گلوله به کجا اصابت می کند. ما می گوئیم که نجفی در زمان شلیک کنترلی روی خود نداشته است.

در این پرونده ۲ فرضیه مطرح است

وی با بیان این که در این پرونده دو فرضیه مطرح است، افزود: یکی شلیک مستقیم به قفسه سینه؛ که این فرضیه با توجه به این که گلوله کج به قفسه سینه اصابت کرده کاملاً راد است. فرضیه دوم این است که گلوله به دست و سپس به قفسه سینه خود رده باشد و با توجه به این که گلوله به صورت کج به قفسه سینه اصابت کرده و سپس

به قلب آسیب رسانده است، باز هم نشان می دهد که این فرضیه مردود است. وکیل مدافع نجفی تصریح کرد: من می خواهم امروز فرضیه سوم را مطرح کنم و آن این است که این امکان وجود دارد که گلوله به سقف یا کاشی هاشلیک شده و سپس به صورت غیر ارادی و غیر قابل پیش بینی و از سمت بالا به ناحیه قفسه اصابت کرده باشد.

نجفی به صورت مستقیم به مر حومه شلیک نکرده است

گودرزی ادامه داد: ابعاد گلوله ۱/۲ است و تشخیص این مورد برای کارشناسان اسلحه شبهه چهار عمل اصلی است که کاملاً واضح و روشن است. آقای نجفی به صورت مستقیم به مر حومه شلیک نکرده و تمام دلایل در پرونده و شواهد نشان می دهد که قتل غیر عمدی است. وی افزود: جلال و کش و قوس بین متهم و مر حومه به شکلی بوده که اسلحه کاملاً به دست خانم استاد چسبیده بود و بر اثر شلیک های غیر ارادی و کمانه کردن گلوله و طی طریق به قفسه سینه مر حومه اصابت کرده است. اگر گلوله به صورت مستقیم به بدن مر حومه اصابت می کرد، حتماً باید از بدن وی خارج می شد. وی افزود: بررسی های انجام شده روی گلوله و بررسی های سرگرد عزتی و همچنین دفرمه شدن گلوله نشان می دهد که گلوله مستقیم به بدن وی اصابت نکرده است. گودرزی گفت: قدرت کاری گلوله در اسلحه کالیبر ۹ میلی متری در این حادثه وجود ندارد و با اصابت به در، دیوار و کاشی حکایت از اصابت غیر مستقیم دارد، این اسلحه مسلسل نیست بلکه نیمه اتومات است و برای شلیک های بعدی پشت سر هم شلیک می کند. کارشناس اسلحه شناسی گفته این اسلحه استاندارد بوده و دست کاری نشده است. وی اعتراض خود را

به دادگاه وارد دانست و گفت: نباید در چنین پرونده های مهمی فقط یک کارشناس از ابتداتنا تنها اظهار نظر کند، اشتباهات فیزیک جنایی از اول مطرح بوده است. گودرزی ادامه داد: سرهنگ عزتی می گوید ایشان نیم خیز التماسی داشته است اما اگر این طور بود ایشان با اصابت گلوله به بیرون ازوان می افتاد. گودرزی گفت: ما می گوئیم قابل پیش بینی نیست که گلوله پس از دیوار به کجا اصابت می کند، ما می خواهیم این موضوع به کمیسیون ارجاع و بررسی شود که آیا گلوله می تواند به بدن بخورد دفرمه شود؟ وی با بیان این که ما بحث قتل شبهه عمد را داشتم گفت: موکل بنده با توجه به شلیک غیر ارادی اتهام قتل عمدی، اندارد و ما برای اتهام قتل عمد درخواست برائت را داریم.



فیلم بازسازی صحنه جنایت در دادگاه شد

قاضی: ایرادات و ابهامات و کیل بررسی می شود

قاضی کشکولی بعد از اتمام دفاعیات گودرزی و کیل نجفی گفت: ما ایرادات و ابهامات را به روش هایی که در قانون پیش بینی شده بررسی می کنیم. اقرارها باید به واقع باشند و زمانی ارزش دارند که با دلایل موجود در پرونده مطابقت داشته باشند. وی افزود: آقای نجفی در جلسه گذشته در کمال عقل و آرامش مطالب خود را مطرح کرده است. قاضی کشکولی در ادامه تاکید کرد: ایرادات و ابهامات و کیل مدافع در قالب اماره قضایی قابل بررسی است که به نحوی ادله علمی هم محسوب می شود.

نجفی: اگر قصد کشتن میترا را داشتم از روش های دیگری استفاده می کردم

در ادامه رئیس دادگاه از محمد علی نجفی خواست که با حضور در جایگاه به ادامه دفاعیات خود بپردازد که نجفی نیز در بخشی از دفاعیات پایانی خود گفت: من وقتی وارد حمام شدم در

تفاوت مجازات قتل عمد و شبهه عمد

قتل شبهه عمد پرداخت دیه توسط خود مرتکب است همچنین مرتکب به یک تا سه سال حبس نیز محکوم می شود.



یک شرایط پیش بینی نشده قرار گرفته و سینه به سینه رو به روی خانم میترا استاد قرار گرفتم بعد گلوله ها به صورت غیر متعارف شلیک شد و اولین گلوله زمانی بود که دست اش را گذاشت روی شانه هایم و من کمی به عقب رفتم و گلوله شلیک شد. اگر قصد قبلی داشتم، چرا بعد از آخرین شلیک که میترا در وان افتاد، هیچ گلوله ای شلیک نکردم بنابر این قصد شلیک از همان اول را نداشتم. نجفی در ادامه خواستار یک تیم کارشناسی جدید در زمینه نوع اصابت گلوله به میترا استاد شد. نجفی بیان کرد: قصد کشتن میترا را نداشتم اگر قصد کشتن او را داشتم از روش های دیگر استفاده می کردم و فرد دیگری را برای کشتن میترا می فرستادم. در ادامه قاضی سولاتی را از نجفی کرد و سپس

پاسخ کارشناس اسلحه به ایرادات وکیل نجفی

سپرگرد عزتی را ادامه داد: شلیک به سمت وان به صورت مستقیم بوده در صورتی که در جلسه قبل گفتیم شلیک به سمت رگم مستقیم بوده که این اصلاح می کنیم البته این موضوع در روند دادگاه اشکالی ایجاد نمی کند زیرا گلوله آخر باعث فوت شده است. وی افزود: گلوله ای که به دست اصابت کرده، مستقیم بوده است. یک تیر هم به دست و هم به بدن خود رده است. سرگرد عزتی را د بیان کرد: تعدادی از روکش های گلوله تجزیه شده اند که نشان می دهد به جای سختی برخورد کرده است. یکی از گلوله ها به دیوار حمام و بعد به سقف برخورد کرده است که آثار گچ هم روی فشنک وجود دارد. یک گلوله هم داریم که دفرمه شده است. قاضی از سرگرد عزتی پرسید: علت دفرمه شدن گلوله اصابت به جسم سخت است یا برخورد به بدن مقتول؟ وی گفت: گلوله ابتدا به بدن و سپس به بدن برخورد کرده است اما ممکن است به جسم سخت هم خوردده باشد. یک گلوله از بدن مقتول پیدا شده است و نظر من برای علت کج شدن گلوله برخورد به بدن مقتول است. گلوله از کف دست وارد دواز پشت دست خارج و مجدداً از قفسه سینه وارد در پهلوی چپ متوقف شده است.

فیلم لحظه ورود نجفی در بازسازی صحنه جرم در دادگاه پخش شد.

بحث درباره گلوله تغییر شکل یافته

در ادامه قاضی کشکولی از میررئیس پزشکی پزشکی قانونی خواست تا در جایگاه قرار بگیرد. میررئیس نیز گفت: حاشیه سالییدگی ناشی از سوختگی دست که بر اثر گلوله ایجاد شده، بعد از اصابت گلوله سوراخ بزرگی در پشت دست

ایجاد کرده است. بعد از معاینه جسد و جراحی یک و دو سانتی متری این اختلاف نظر شکل گرفت و بعد از پاک کردن لخته خون و معاینه دقیق اصابت گلوله به کف دست مشخص شد موجب خرد شدن استخوان دست و نیز سوراخ روی قفسه سینه شده است. قاضی از نجفی پرسید: وقتی مر حومه اسلحه را دیدت رسید، وقتی دست شما را گرفته بود حالت تدافعی داشت یا تهاجمی؟

نجفی گفت: نمی دانم چراتر سید، دوشب قبل آن را دیده بود. شاید عکس العمل غیر ارادی داشت. چند بار به او گفتم ول کن. منظورم این بود که انگشتت را از روی ماشه بردارم. وحشت صدای گلوله ها طوری شد که دستم را رها نمی کرد. گودرزی گفت: در بررسی ها اعلام شده سه گلوله به کمد، گوشه وان، دیوار و بالای وان و آخرین هم به دست و بدن خورده است اما من این جا وارد علم کارشناسی می شوم و می گویم آن گلوله ای که به گوشه وان خورده همان است که به دست اصابت کرده است.

گفت: دلیل محضی علمی می خواهد. قدرت اسلحه این را نمی گوید.

وکیل گفت: دفرمه شدن یعنی این که گلوله به جسم سختی خورده باشد نه به بدن. شکل نصف گلوله از بین رفته است. قاضی گفت: البته شکل گلوله از بین نرفته، ضربه خورده و کمتر از یک سوم گلوله موجود

است. حتی با چشم مسلح ضربه وارد شده قابل شناسایی نیست و انگار گلوله سالم است. در ادامه مجدد گلوله ضربه دیده شده بررسی شد که قاضی گفت این اظهار نظر قضایی می خواهد. بقیه دفاعیات را بگوید. رئیس دادگاه در این هنگام با اشاره به اظهارات وکیل مدافع نجفی گفت: این که گاز و سی جی آر چرا از دست مقتوله برداشته شده باید بگویم که قطعاً اگر از دست آقای نجفی هم برداشته می شد، مثبت بود. جمع آوری قرائن دیگر هم شاید در پرونده تاثیر باشد، هر چند بررسی های لازم انجام می شود. قاضی کشکولی گفت: تعداد سلاح های استفاده شده و تعداد پوها که هاروشن شده است بنابر این تقاضاهایی که آقای گودرزی داشته هیئت قضایی خود را بی نیاز از آن می داند مطلبی

مهیاری: دکمه ها متعلق به من است

در ادامه دادگاه، قاضی از مهیار صفری پسر میترا استاد خواست در جایگاه قرار گیرد و قبل آن به عکاس ها هشدار داد که لطفاً عکس نگیرید. رئیس دادگاه از مهیار صفری پرسید: تعدادی دکمه داخل سالن کشف شده، این دکمه ها ناشی از چه بوده است؟ مهیار صفری گفت: من در ساعت ۱۰:۱۲ به خانه آمدم و با جسد مادر مر و به رو شدم و پیراهنم را پاره کردم زیرا دچار شوک عصبی شده بودم. وی افزود: دکمه مال پیراهن من است. قاضی پرسید: لباست را عوض کردی؟ که مهیار صفری پاسخ داد: زیر پیراهنم تیشرت داشتم و با همان بیرون رفتم و به خانواده ام خبر دادم. مهیار صفری پیراهن اش را آورده بود و در دادگاه بار کرد و نشان داد.

در ادامه قاضی محمدی کشکولی با تفهیم دوباره اتهامات و نحوه مرگ میترا استاد، سه اتهام نجفی اعم از مباشرت در قتل عمدی، صدمه غیر منتهی به فوت و حمل سلاح غیر مجاز را به او تفهیم کرد. نجفی از قاضی درخواست کرد که بند چهار آخرین دفاع او را مورد توجه قرار دهد و گفت: خواهشمندم همان طور که کارشناس اسلحه درخواست تشکیل هیئت بررسی اسلحه را داده، این موضوع مورد توجه قرار گیرد، زیرا دو نظریه وجود دارد، یکی این که تیر به دست ایشان برخورد کرده و وار دسینه شده و پس از برخورد به قفسه سینه، در پهلوی مانده است و نظریه دوم این که تیر به دیوار برخورد کرده و به قفسه سینه ایشان اصابت کرده است که برای اثبات این که کدام یک از این دو فرضیه صحیح است، نیاز به کار کارشناسی است. اگر تیر از بالا به کف دست ایشان شلیک و به قفسه سینه خورده بود، محل پرتاب ایشان در حمام متفاوت بود. من قصد قبلی برای شلیک و قتل نداشتم و همه شواهد نیز همین مطلب را تأکید می کند. وی در پایان از هاشم مطالب درخواست عفو و بخشش کرد و گفت: به خانواده و مر حومه استاد و باز ماندگان تسلیت می گویم و از خداوند برای آنان صبر و اجر در خواست دارم.

وکیل: شما نظریه ما را انید بر فیتید

در ادامه گودرزی وکیل مدافع محمد علی نجفی خطاب به قاضی محمدی کشکولی گفت: شما به این موضوع رسیدید که فرضیه اول را پذیرفتید که گلوله به دست و سپس به سینه مر حومه برخورد کرده است و این یعنی فرضیه ما مبنی بر شلیک به دیوار و سپس برخورد به بدن مر حومه را انید بر فیتید. ما با این مواجه ایم که امر محال را تشخیص هیئت نپذیرفته است و بهتر بود که پزشکی قانونی در باره دفرمه شدن گلوله توضیح دهد. دادگامی خواهد که به اقرار موکل اکتفا کند اما موکل بنده اقرار به قتل عمد نداشته بلکه گفته است قتل شبهه عمد است. این پرونده مشکلاتی داشته که مربوط به عجله های بی مورد د بوده است.

انتقاد قاضی از وکیل نجفی

در ادامه قاضی محمدی کشکولی درباره ایرادات گرفته شده از سوی وکیل مدافع آقای نجفی گفت: آن چه تلاش عالی مطرح کردید، بیشتر شکلی است. تلاش جناب شما برای اثبات این است که بر اساس موازین قانونی در چار چوب قانون آیین کیفری به پرونده رسیدگی شود و بر اساس قانون و اختیاراتی که به رئیس دستگاه قضایی داده شده است، دادگاه علنی برگزار شد.

قاضی محمدی کشکولی خطاب به گودرزی وکیل نجفی با انتقاد از برخی از اظهارات وکیل، گفت: شخص شما از خیلی از ایراداتی که پیشتر مطرح کرده بودید، عدول کردید. شما هم در مقام دفاع، وارد مباحث قضایی شدید که در این باره از شخص شما گله مند هستیم. در پایان جلسه دادگاه قاضی ختم رسیدگی را اعلام کرد و گفت: در مهلت قانونی حکم صادر می شود. * حاشیه دادگاه گودرزی وکیل نجفی در پاسخ به سوالی مبنی بر این که آیا برای گرفتن رضایت وارد عمل شدید یا خیر گفت: تلاش کردیم ولی هنوز به نتیجه نرسیده ایم. وکیل مدافع محمد علی نجفی در پاسخ به سوالی درباره این که آیا خانه را به هیئت کارشناسی موافقت می کنی یا خیر؟ گفت: به نظر من با آخرین دفاعی که اخذ شده احتمال این موضوع ضعیف است زیرا زمانی که آخرین دفاع مطرح می شود تحقیقات به پایان می رسد.

* برادر میترا استاد بار دیگر در حاشیه دادگاه بر قصاص متهم پرونده قتل خواهرش تاکید کرد.

در امتداد تاریکی

قصه فریب!

وقتی دیدم با این خودسری ها و برقراری روابط آزادانه با چند جوان هوسران، رسوایی وحشتناکی به بار آورده ام نقشه ای کشیدم تا آپرویم نزد خانواده ام حفظ شود به همین دلیل ماجرای دروغ تجاوز گروهی را مطرح کردم اما...

دختر ۱۷ ساله در حالی این جملات را بر زبان جاری می کرد که پدرش با شنیدن سرگذشت هولناک او آرام آرام در گوشه اتاق مددکار اجتماعی اشک می ریخت و از شدت خشم و اندوه شانه هایش به لرزه افتاده بود. «سولماز» که دیگر نمی توانست «قصه فریب» را بیشتر از این ادامه بدهد، با تاکید بر این که داستان ساختگی تجاوز گروهی را برای فرار از آپرویزی مطرح کرده است درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری شفا می مشهد گفت: از روزی که وارد دبیرستان شدم افکار و اندیشه هایم به خاطر رفاقت با چند تن از همکلاسی هایم به کلی تغییر کرد. آن ها از جنس فرهنگ خانوادگی ما نبودند و ظاهری متفاوت با تقلید از فیلم و سریال های غربی داشتند. من هم که تحت تاثیر افکار و رفتار آن ها قرار گرفته بودم همه حرکات، پوشش و نوع رفتار آن ها با جنس مخالف را کورکورانه تقلید می کردم. به همین دلیل ابتدا چادر را کنار گذاشتم و لباس های تنگ و کوتاه پوشیدم. بعد هم موهایم را زیر زورسری بیرون ریختم و سعی کردم برای خودم دوست پسری پیدا کنم! در واقع این رفتارهای زشت برای من به ارزش تبدیل شد تا جایی که گویی افکار رنجسیده دوستانم در اعماق مغز من رسوخ کرد. از آن جابود که اختلاف بین من و پدرم آغاز شد. او مدام مرا نصیحت می کرد که مجایم را حفظ کنم و یادوستان ناباب معاشرت نکنم. او می گفت: ضعف انسان در اعتقادات مذهبی و باور و طه نابودی می کشاند و من باید مراقب باشم. اما من که از شنیدن این حرف ها بیزار بودم به پدرم توهین می کردم. شغل اش را به رخشی می کشیدم و فریاد می زدم شرمگین ام از این که یک کارگر ساختمانی پدر من است! و... اما پدرم با شنیدن این جملات تلخ فقط بغض می کرد و نمی گذاشت اشک هایش سر او نریزند. با وجود این هیچ گاه از نظر مالی مرادر مضیقه نمی گذاشت تا این که پسر یکی از همسایگان به خواستگاری ام آمد. پدرم در حالی به خانواده «کاوه» به بهانه تحصیل من جواب رد داد که من به او علاقه مند شده بودم چرا که «کاوه» جوانی مودوب متین بود. به همین دلیل به طور پنهانی در حالی با او رابطه برقرار کردم که به روابط نامتعارف با پسران دیگر ادامه می دادم. در این میان با جوانی که عاشق هیکل و تیپ او شده بودم به طور تلقنی ارتباط برقرار کردم. او را به همکلاسی هایم نشان می دادم و به آن ها فخر می فروختم که چنین دوست پسر خوش تیبی دارم. هنوز یک ماه از این آشنایی و دیدارهای خیابانی با «فرامرز» نگذشته بود که روزی به من پیشنهاد کرد برای کشیدن قلیان به منزل مجردی اش بروم. اگر چه ابتدا مخالفت کردم اما وقتی چهره در هم کشیده او را دیدم پشیمان شدم و تصمیم گرفتم مانند دختران غربی و بدون ترس و واهمه به منزلش بروم که حداقل کلاس مرا نزد دوستانم حفظ کنم. خلاصه به بهانه رفتن به مدرسه از منزل خارج شدم و به منزل مجردی فرامرز رفتم تا به او بفهمانم که به حرف هایش اعتماد دارم اما متأسفانه در حالی با چشمان هوس آلود فرامرز روبه رو شدم که دیگر کاری از دستم ساخته نبود و این گونه همه هستی و آینده ام را نابود کردم. به خاطر این که بعد از این اتفاق تلخ روزی باز گشت به خانه را نداشتم چند روز نزد فرامرز ماندم تا این که با یک داستان ساختگی تصمیم گرفتم به منزل بازگردم. وقتی وارد خانه شدم با چشمانی گریان به پدرم گفتم که چند جوان مرا رسوده و مورد تجاوز قرار داده اند. پدرم که با شنیدن این ماجرا دستانش به لرزه افتاده بود با پلیس تماس گرفت و مرا به کلانتری آورد اما ماموران فقط با چند سوال ساده با داستان ساختگی من پی بردند و دروغ بودن ماجرای تجاوز را بر ملا کردند. من که دیگر چاره ای جز بیان حقیقت نداشتم روابطم با فرامرز را مطرح کردم...

شایان ذکر است، در حالی که بررسی های کارشناسی و مشاوره در دایره اجتماعی کلانتری به دستور سرهنگ ناصر نوروزی (رئیس کلانتری شفا) آغاز شده بود ناگهان دختر بدستان پینه بسته پدرش بوسه زد و گفت به خاطر مهر پدری، مرا ببخش! ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان روضه